

- 2. Prelude, Fugue & Allegro, BWV 998 J.s. Bach(***)
- 3. Vaise Op.8, No.3 /Agustín Barrios(****)
- 4. Koyunbaba, Op.19 /Carlo Domeniconi(****)
- 5. El Sueno de la Razon... /Mario Castelnuevo-Tedesco (****)
- 6. Quien Mas Rendido? /Mario Castelnuevo-Tedesco (***)
- (From 24 capricios de Goya, Op.195)
- 7. Three Popular Persian Ballads /Arr.by Lily Afshar (*)
- Gol-e-Gandome
- Dareneh Jaan /Aziz Joon
- Jaane-e-Maryam
- 8. Tango /Isaac Albeniz(***)
- 9. Sevilla /Isaac Albeniz (****)
- 10. (Encore) قطعات فوق برنامه (****)

فولکلوریک خاتم افشار اگر بر روی دو گیتار یا یک آرگ به رشته تحریر فرآید کاملاً بافت معمولی و پیش افتاده هارمونی ژان قبلیبب راضوتی آن محسوس خواهد بود، یعنی بافت فولکسبیول V, IV, I نال که در هر آرگ بجه مدرسه‌ای این توالی برنامهریزی شده است و نیازی به گفتن نیست که اصولاً گیتار سازی سخت است و مشکل در آموختن این قطعات به روی یک گیتار سه‌سوی چیزی از زیر بار خالی کردن هارمونی ساده آن که حرفی برای گفتن ندارد نمی‌آید در آخر به جرأت می‌توان گفت که قطعه Sevilla اثر هایساک البنیزه در حد اجراهای جهانی و استاندارد از این قطعه توسط نوازندگان مطرح و شناخته شده بود و با آنان پهلو می‌زد موفق باشد و به امید دیدار مجدد لحظه‌شماری می‌کنیم. □

برنامه قسمت اول:
1. Spanish Dance No.5 /Enrique Granados (**)

جمع این پندیده‌ها را در یک شب هم نوش جان فرمودند کافی است تا هر نوازنده‌ی را از بازگشت دوباره به ایران متصرفه سازد جای تعجب دارد که مشاهده می‌شد برخی از این افراد موزیسین هم هستند! بهر حال خاتم افشار با نوازندگی پرشور و حال خود و سرگزری Master Class در سه روز آموزش (متأسفانه نه چندان فروتانه) باعث شدند تا در جمع نوازندگان گیتار ایرانی وجد و شمع و انگیزه مضامینی پدید آید که در مورد نوازندگان مدفوع و معمولی مشابه که به ایران آمدند و مدارک آن چنانی دارند که به لغت خدا هم نمی‌آرزد صادق نبود و ایشان به این مهم نائل آمدند.
در مورد تنظیم سه قطعه محلی ایرانی متأسفانه شاهد موسیقی هوموفونیک خیلی خیلی معمولی‌بی بودیم که از نوازنده‌ی در سطح ایشان توقع نمی‌رفت. به نظر می‌آید خاتم افشار نوعی نوستالژیای هارمونی، بودن دارند و از جامعه جوان و موسیقی‌دانان جوان که به تنظیم آثار محلی بر روی سازهای دیگر و یا بافت‌های بسزگتر مباحثه و ارزیابی‌های علناً و غیر علنی انجام می‌دهند.



یادمان کوارتت - اجرای موسیقی معاصر آثاری از ایمان وزیری ۱۶ و ۱۷ اسفند ۷۹ - سالن رودکی

کیوان میرهادی

کنار بگلنرید که موسیقی ایرانی نبود می‌شود یا نه. موسیقی ایرانی برای بساط خوب است، یا مگر می‌شود هارمونی غربی را با موسیقی ایرانی تلفیق کرد؟ موسیقی ایرانی ریح پرده دارد. چه حرف‌ها! یا اگر یک کامپوزیت که ماهر بزم فلان استاد خاک بر سر من می‌پاشد یا کسی که شلوار چین ببیهد و کفش خود را نیز در نیاورد اصلاً موسیقی ایرانی رو نهمیده‌وه...

چه تأسف بار بود این بحث‌ها بگنرمیم... سپس دوره رکود موسیقی و رجعت موزیسین‌هایی شروع شد که در زمان جنگ تحمیلی رحل اقامت در خارج گرفتند بودند، مدعی هم می‌خواستند پرونده نشد. میرفتند هم فرقی نمی‌کرد، با روابط محکمی که داشتند و دارند.

دوباره همین جا بساط را قیسه می‌کنند تگلر آب از آب نکان نسخوره، حال در این آشفته بازار، مجریان سیاست‌گذار موسیقی به درست راه مجوز دادن به کمپوزیسیون تلفیقی را باز می‌سازند منتدی در بوق و کرنا نمی‌کنند فقط چشم بصیرت می‌خواهد و دل شیر که به دریا زده شود... دیدیم که شد.

حادثه‌ی که در بخش اول اجرای پهلو کوارتت در شب‌های ۱۵ و ۱۶ اسفند در سالن رودکی رخ داد پرتاب سنگی بود به مجسمه شیشه‌ای تعصبات موسیقی ایرانی.

از همان اولین نت‌ها معلوم بود که می‌خواهد چه

کرد که این کوارتت با یک گروه هندی یا یک گروه فرانسوی یا گرجی یا مصری یا الجزیری یا آمریکایی نیز بتواند اجرا کنند آن وقت چه؟ آیا آن موقع هم تعصبات اقلیتان و خانگی‌های خشک فخر من آهای جملتمندی بیرون می‌زنند یا این که همه و چه چه می‌کنند؟ مطمئن باشید بابه و چه چه می‌کنند چون طرف خرابی است!

چند فاکتور عمده دست به دست هم می‌دهند تا برنامگی بدین پایه موفقیت حاصل کند. فاکتورهایی از قبیل سلیقه خوب و ذکاوت کمپوزیونی، ملودی‌های روان، احترام به گوش و سلیقه شنونده، انتخاب نوازندگان همندل که هم یکدیگر را قبول داشته باشند و هم کمپوزیتر را هم شجاعت نواختن چنین آثاری را در صحنه به این مهمی داشته باشند و نیز مدیریت خوش‌بین و جورخانه هنری به انضمام تبلیغات مناسب برای اجرا.

تیمه استگنل موسیقی و مدیران ضبط باید گوش به زنگ چنین کسرت‌هایی باشند و درصدد ضبط و پخش این اثر در ایران و جهان بآیند. حرف این نوع اثر جهانی است چون ترکیب پیچیده و ازاولاد سنت و مدرن را درک کرده است. موسیقی‌ای از نوع حسبه - مخته. تهران هویت معاصر ساخت و شناسنامه ایرانی و جهانی دارد. موسیقی نسل‌های قبلی را نداشته و نیز تزیین و تزییق کمپوزیسیون‌ها و مکتوبات معاصر نیز خیره‌کننده است. فرقی که حرفی جهانی دارد و به آینه‌ها می‌نگرد. تزییق محکم است بر کوفلی‌ها و فرقه‌گرایی‌های رایج در موسیقی معاصر ایران که خالصانه به روی هر تخیلی آموش می‌کشاید و به خردتاران موسیقی جاری و متکون تزییق روحی بهتر می‌دهد. این موسیقی می‌تواند اصل معنی را برای تحولات بیشتر گشودگی و خنجرهای آمانداز و آگاه‌تر می‌سازد و موسیقی ایرانی فعلی را از کنگره‌های پخته‌شده و از لاسر تحولات گریز شط جهانی موسیقی پدید می‌آید و نوازش‌مان می‌سازد. برای آقای گلشن و زکریا به پشت‌پنل خوش آمدید!

فصل اول: آشنایی با علم‌انسانی

1. آشنایی با دو قسمت (****)
2. محیط‌ها به سه قسمت (****)
3. تهران در دو قسمت (****)
4. قسمت دوم (****)
5. پیمانده (****)
6. پوستان (****)
7. آرتک (****)
8. ولسن و پخرام فریوسفی (****) آنتونو لعمیا
9. انحصاری (****) پیلانو مورو فانتل (****) ولسنل
10. مها قلمی (****)

اتقالی بیفتد و شنونده خود را با ذهنی هوشمند و خلاق مواجه می‌دید که ذخیره‌های فنی از موسیقی ایرانی و کمپوزیسیون غربی در چننه دارد. موسیقی متفکر، دست در دست تأکید روی فضای سازی در محیطی آبره‌ولی نه چندان زرف به ملود استفاده ملایق از پندل و کلاستر و بعضی جاعا هارمونی پنجپها اثر اجرا شده را به برخی آثار بدیع دهه ۵۰ ایران و مدل‌های شبه امپرسیونیستی روسی نزدیک می‌کند چیزی شبیه اثر خاچاتوریان و امیروف و حاجی تیگف یا آن طرف آنجا علی‌والی در آمریکا و سیا حتی آثار نیکولائسکی و ولایوسوف در برزیل و جناسی بهار در آرژانتین. اما این ذهنیت برخورد با سنت و استحالته آن با استرفاد بر جلوب سنت و مدرنیته و درایور ترکیبی یکسخت و روان کار هر کسی نیست یعنی کمپوزیترهایی با گذشته اساسی فلسفی برخوردار یا با سنت همفا اعتماد به دید خود از شناخت محیط کاری و محیط جهانی گذشته و در این رهنگر بازناله و شجاعت ساختارهای کهن را در نور دیده‌اند.

ایمان وزیر نخستین فرد از گروه کمپوزیتر جوانی است که با ذخیره‌های ملودی‌سازی ایرانی یعنی ملودی سازی شمالی با شجاعت تمام سلیقه‌ها را با موسیقی ایرانی کولاژ کرد به راحتی می‌تواند در صحنه دهان‌های باز و چشمهای گرد شده‌ای را دیده که وقتی ملودی ایرانی روی می‌ها اجرا می‌شود بی‌خیزت و چون کلاب‌های پیانو به طور رتیمو چک می‌زند یا هر دو دستش را هر کجایی ناحیه می‌پانو که بشکند مانند زنگی سنگین فرود آورده و پندل ریتمی می‌گیرد آنگاه (گروه) عالی و یکسخت گریه کوارتت با نوازنگی هوشمندانه خود الحق از پس نفس‌انگیزی بر می‌آید. نوازنده آنتونو که کلاویه هم می‌نوازد به ترتیب ملودی‌های ایرانی برای رن آنتونو می‌نواخت و حسن و حال آن‌ها را بیان می‌کرد. وزیر معاصری ملودی را خوب می‌داند یعنی کلاً گفته است که چه ملودی‌ها را در کجای محدوده صدایی ساز بیست و این امر حساس را به فرستای مستقل سازند در رنگ‌آمیزی و هارمونیزاسیون نیز سلیقه و گرایش به نو فکر کردن دارد.

دیوسانتی‌ها در نظریه‌های معاصری خود ظاهر شدند. به عقیده من قسمت اول برنامه تقلید تخیلی شدن به بافت بزرگ‌تر از ساز ملود در قسمت دوم موسیقی کمی محافظه‌کارانه‌تر می‌گردد. بیشتر سبک مدال ایرانی (برنامه گل‌های باغیو ایران بعد از اخبار ساعت ۲) با افکت کمتر - غالباً آلتراکرو روی پیانو و وان‌پنل بود. می‌شد سر فرصت روی رنگ‌آمیزی و سول و جلوب تمام ملود اثر کرد. بی‌خیزت موسیقی دستنگاه‌ای می‌شدند. پلی نچیا بیان او غربی است. البته این امر خیلی هم مهم نیست چون می‌توان تصور

پخش موسیقی معاصر از شبکه فرهنگ

کیوان میرهادی

جایی آن دارد که از سولان شبکه فرهنگ صدای جمهوری اسلامی ایران به خاطر پخش برنامه پُربار رادیویی موسیقی معاصره که در شکل بسیار حرفه‌ای و پیشرفته ارائه می‌گردد قدرتمانی شود. این برنامه در ارائه آثار آهنگسازان معاصر از دیوسیه به بعد با جدیت تمام عمل می‌کند و آثار پخش شده نمایانگر ذوق و پویایی طراحان آن است که نوین و امروزی فکر می‌کنند. امیدواریم در آینده نزدیک، این برنامه شنوندگان روشنفکر را هر چه بیشتر و بیشتر به سوی خود جلب کرده و از این راه به حیات خود ادامه دهد.

طول مدت برنامه به نظر ناگالی می‌آید (۲۰ دقیقه) و برای پخش حجم غول‌آسای آثار قرن بیستم ناگالی است. جسامت قطعات آوازی شدیداً خالی است که در ام‌دی‌آریم شورای محترم سیاست‌گذاری صلوسیمیا در این باب، واقع‌بینانه‌تر ببینند. چون روشنفکرانی که کامپیوتر دارند خیلی راحت می‌توانند اینترنت را به رادیوسو تبدیل کرده و روی Napster.com یا Mp3.com هموزیکی را که بخواهند هم گوش کنند و هم در کامپیوتر خود ذخیره کنند (حتی متالیکا هم که از Napster به ننگره آمریکا شکایت کرد راه به جایی نبرد).

ساعت پخش برنامه کمی عجیب است (سه‌شنبه‌ها ساعت ۲:۱۵) شاید بتوان این زمان را مورد تجدیدنظر قرار داد یا این که نوبت و ساعت برنامه را افزایش داد. به هر حال پخش آثار بار توک، آرووارت، شوندرگ، گلاس، ریچ، استراونسکی، دیوسیه، مسیان و ارکی‌سون نور از طریق این برنامه صورت گرفته و لازم است که دوستداران موسیقی جمدی و معاصر که کمپوزیسیون‌های اولگادار را می‌پذیرند از سلیقه خوب گردانندگان این برنامه در ارائه آثار قرن بیستم و بیست و یکم بهره‌مند گردند.